

از سربازان خیالی تا اسیران تخیلی!



پیوسته گذشته بخش یکصد و سی وینجم

آورده اند شکارچی فرتوتی که به زور خود را به پیش میکشاند برای دوستانش تعریف میکرد که یک روز در جنگل با یک شیر روبرو شدم تفنگم را بطرف اش گرفتم و شلیک کردم اما ناگهان گلوله در تفنگم گیر کرد دوباره شلیک کردم ولی به شیر اصابت نکرد، خلاصه شیر برویم پرید و بنده را خورد، دوستانش گفتند که تو خو زنده ای؟ شخص پیر جواب داد: ای بابا! این هم شد زندگی؟! چنانچه در یادداشت های قبلی ام به آن اشاره نموده ام خطبه بیعت صلح که در ارگ قصر "ریا" ست " حکومت وحدت مالی"! از سوی مرشد اعظم و رهبر روحانی دسته های از جنگجویان توسط یک نواری از قبل ضبط شده قرئت گردیده بود دیدیم و شنیدیم، همچنان چند روز پس از آن بیعت مقدس، محمد اشرف غنی دامت برکاته! و ایسرای صادق جامعه مبارکه جهانی برای افغانستان در کسوت رئیس حکومت شریفه و مافیائی حاکم بر این کشور با پذیرش تکریمانه آن بیعت، فرمان غرای را صادر فرمود که در تقابل با اوضاع عمومی کشور و واقعیت های عینی جامعه افغانی حکایت از سقوط نرم ارزشهای تاریخی و فرهنگی جامعه افغانی داشت.

<https://www.youtube.com/watch?v=66uCrSFnYv8>

مسخره ترین بخشی از این فرمان آنجا و آنگاه است که در یکی از مواد فرمان سلطانی حکومت وحدت "مالی" افغانستان از مقامات نظامی حزب اسلامی افغانستان خواسته میشود تا تمامی اسرای که نزد آن حزب در اسارت به سر میبرند در اسرع وقت از بند رها و تحویل مقامات امنیتی سازند. تاهنوز هیچکسی به شمول رئیس محترم هیأت حزب اسلامی افغانستان نه میدانند که این اسیران در کجا چه کسانی و دارای چه هویتی اند؟



آگاهان باورد دارند که **ویروس سربازان و معلمان خیالی!!** در بستر جامعه افغانی و در جامه آلوده به آفیون مفتخواری تا آنجا نفوذ و سرایت نموده است که اکنون برای سنگین جلوه دادن و با اهمیت نشان دادن یک معامله "سیا" نیز بکار میرود و در گفتگوهای بنام صلح حتی از آزادی اسیران

بحیث یکی از شرائط مهمی میان دو طرف سخن به میان می آید . وقتی در فرمان بیست و سه فقره ای خلیفه غنی ، حزب اسلامی برهبریی گلبدین حکمتیار را ملزم به قانون اساسی افغانستان می دانند و طبیعی است که این ماده در روشنی مفردات موفقتهامه موسوم به صلح حزب اسلامی ترتیب یافته است توجه ام را سخنان چند ماه قبل جناب گلبدین حکمتیار در باره دموکراسی ، قانون اساسی و حقوق زن در نظام حاکم کنونی افغانستان جلب کرد که وی گفته بود :

https://www.youtube.com/watch?v=EX_XHgkzITQ

این سوال بیشک در ذهن همه انانیکه به سرنوشت انسان و میهن می اندیشیم خطور کرد ؛ چه شد که این مرشد استقلال و آزادی ناگهان عوض شد؟ و چه معجزه ای رُخ داد که یک شبه از مقام و جایگاه تخیلی اش بر زمین تواضع و تقوی افتاد .؟ مردی که روزی میگفت :

<https://www.youtube.com/watch?v=Tk6V3sOEcdC>

بسیاری از ارادتمندان سابق اش این را پذیرفت که شاید حضرت حکمتیار اکنون ودراین مرحله ای از عمرش پی برده اند که آن راهی که میرفت به ترکستان رفته و راهش را ازخون و خشونت بسوی مهربانی و عطوفت تغییر داده است و بر آنچه که درگذشته بنام دین مقدس اسلام انجام داده اند برمبنای اصل زرین " توبه " که در نزدیکترین و ساده ترین تعریفی از این اصل " بازگشت به خویش " نهفته است نادم و پیشیمان است که عظمت یک مبارز راستین درطول حیات مبارزاتی و سیاسی اش چنانچه قرآن انسان را به عنوان موجود در خسران با کلیمات ملکوتی **انا الانسان لفی خسر** به معرفی گرفته است در اینگونه حالت نهفته میباشد که هیچگاه از عظمت و معنویت یک مبارزراه آزادی کاسته نه میشود ، وقتی در روز موعود آنگاه که حضرت ظهورمیکرد اما به دلایل ظهور وی به تعویق افتاد و سخنانش را دریک نوار ویدیویی ضبط نموده بود تمامی کلیمات و جملاتی را که وی برزبان می آورد می شمردیم وقتی حین دعوت از دیگر مخالفان رژیم برای رسیدن به اهداف شان دعوت بعمل می آورد تمامی کلیماتی که درآن بخشی از سخنان اش برزبان آورده بود با هم در تضاد ، پارادوکسیال و درمغائرت با داعیه صلح بود :

<https://www.youtube.com/watch?v=ff2rEYr2qo8>

لهذا همه ما دیدیم و گفتیم که مسأله به آن سادگی که ما تصورمیکردیم نیست زیرا میبینیم که **"مرغ آقا یک پا دارد !!"** نه تنها برآنچه که درقدیم و ندیم انجام داده است پیشیمان نیست بلکه دیگران را نیز دعوت به اهدافی میکند که از نظروی مقدس اند و باید کاملاً مورد تطبیق قرارگیرند !! و درعین حال جهت اطمینان به دیگر جنگجویان مخالف حکومت میفرمایند که مطمئن باشند حزب اسلامی افغانستان برای رسیدن به تمامی اهداف مشروع و ملی درکنار شان قرار خواهند داشت و هیچ کسی مانع جهاد مسلحانه ما شده نه میتوانند !! اگررفتن به شهرها نیاز به اجازه دیگران دارد راه کوه ها بروی ما بازاست !! همه ما با خود گفتیم عجب !



این چه مارمولک بازان ماهری اند که در اوج معرکه قدرت و در قرن بیست و یکم به شغل شریف شعبده بازی مشغول اند . اما سوال اینجاست که چگونه این شخصیت بزرگ و مرجع عالی در عین حالیکه از یکسو با دولت مافیائی موسوم به حکومت وحدت واقعاً " مالی " افغانستان پیمان مشارکت امضاً میکند و طی مراسم ویژه " بیعت " با آن بیعت میکنند و از سوی هم هنوز خوابهای خلافت جهانی را می بیند ؟

